

Research Article

The Presence of Jihadi Groups in the Future World New Jihad in the New World¹

Tayebeh Mohammadi kia¹

*1. Assistant Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.
t.mohammadikia@gmail.com*

Abstract

The purpose of the present research is to study the feasibility of the survival of ISIS and Takfiri groups as well as their continuance in the future world. In this regard, the present study aims to analyze the likelihood of presence and role of recent Jihadi movements in the future world. The research study is conducted by Foucauldian discourse methodology, in a holistic method and with regard to Foucault's theory of discourse. This article studied Jihadi groups specially their salient representative, that is to say ISIS, an identity-centered discourse from the perspective of postmodernism in the realm of international policy. This significant subject is analyzed as a subcategory of the important concept of postmodernism and international studies as an option to explain the presence and role of new entities in international relations. Therefore, the ideas of the outstanding postmodern scholars as well as the feasibility of their application in international diplomacy were discussed. The research relies on the hypothesis that the Jihadi groups will continue their effective presence in the form of scattered but coherent organizations and will have an impact in the regional order.

Keywords: Jihadi Groups, ISIS, International Relations, Postmodernism, Takfiri Groups, Foucauldian Discourse, International Policy.

1. **Received:** 2018/07/14; **Accepted:** 2020/02/04

Copyright © the authors

حضور گروه‌های جهادی در جهان آینده جدید^۱

طیبه محمدی‌کیا^۱

۱. استادیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. t.mohammadikia@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه امکان ادامه حیات داعش و گروه‌های تکفیری و چندوچون استمرار حضور آنها در جهان آینده است. در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به امکان حضور و نحوه ایفای نقش جنبش جهادی متأخر در جهان آینده می‌باشد. این پژوهش با روش‌شناسی گفتمان فوکویی، به شیوه‌ای کل‌گرایانه و با توجه به اظهارات گفتمانی مد نظر فوکو، انجام شده است. این پژوهش، گروه‌های جهادی و نمونه برجسته آنها یعنی داعش را به‌مثابه گفتمانی هویت‌پایه از زاویه نگرش پسامدرن در عرصه سیاست بین‌الملل مورد مطالعه قرار داد. این مهم ذیل فراز اصلی پست مدرنیسم و مطالعات روابط بین‌الملل به‌مثابه امکانی برای توضیح چندوچون حضور و ایفای نقش هستنده‌های جدید در روابط بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و ایده‌ها و اندیشه‌های اندیشمندان مطرح پسامدرن و امکان به‌کار گرفتن این ایده‌ها در مطالعات روابط بین‌الملل مورد بحث قرار گرفت. پژوهش بر این فرض استوار است که گروه‌های جهادی در ادامه حیات‌شان در قالب گروه‌های پراکنده، اما به هم پیوسته، به حضور موثر خود بر نظم منطقه‌ای، ادامه خواهند داد.

واژه‌های کلیدی: گروه‌های جهادی، داعش، روابط بین‌الملل، پست مدرنیسم، گروه‌های تکفیری، گفتمان فوکویی، سیاست بین‌الملل.

۱. مقدمه

داعش با ویژگی نظم‌گریز و آشوب‌طلب به نقش‌آفرینی در منطقه دست یازیده و در قامت یک دولت واره به ایفای نقش پرداخته است. اما اکنون با توجه به شرایط پسا-داعش و فروپاشی خلافت خودخوانده دولت اسلامی، پرسش از امکان حضور و نحوه ایفای نقش جنبش جهادی متأخر در جهان آینده، خودنمایی می‌کند.

پژوهش حاضر امکان‌مندی و چگونگی این حضور را مورد پژوهش قرار داده و چندوچون این حضور ضمن بهره‌گیری از روش‌های پست‌مدرن و توجه به استعدادهای جریان جهادگرایی متأخر، که از آن بازیگری نظم‌ستیز در عرصه بین‌الملل ساخته، بررسی می‌شود. بازیگری که درصدد ارائه کنش‌هایی جهت به چالش کشیدن نظم غالب از یک‌سو و ارائه نمونه و فرم ایده‌آل خود از سوی دیگر برآمده است. به دیگر سخن، بسیاری از پژوهشگران عرصه روابط بین‌الملل، پس از شکست این گروه در موصل و رقه و از میان رفتن ساختار نیمه رسمی، اما کمابیش شناخته شده آن تحت عنوان خودخوانده «خلافت»، با پرسشی مهم «چندوچون امکان ادامه حیات داعش و استمرار حضور آن در جهان آینده؟» مواجه شده‌اند.

به باور این نوشتار گروه‌های جهادی در ادامه حیات‌شان در هیأت گروه‌های پراکنده، اما مرتبط به هم پیوسته به حضور موثر خود بر نظم منطقه‌ای، ادامه خواهند داد. مطالعه این گروه‌ها می‌تواند به عنوان خرده‌گفتمان حاشیه‌ای در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گیرد. گفتمان‌های فراموش شده‌ای که در قالب گروه‌های هویتی و ایدئولوژیک وارد عرصه سیاست شده و کوشش خود را در جهات احیای ایده‌آل‌شان به کار گرفته‌اند. این گروه‌ها در قالب نقش تروریستی و مخرب به حیات خود ادامه می‌دهند و نظم دولت‌محور منطقه را ذیل آرمان تاریخی و ایدئولوژی خلافت‌محور خود به چالش می‌کشند. به عبارت دیگر، پرسش پژوهش حاضر عبارت از امکان‌های موجود در گفتمان جهادگرایان معاصر جهت حضور در جهان آینده است. پاسخ پژوهش به این مهم، مطالعه ماهیت گروه‌های جهادی متأخر، ذیل بهره‌گیری از روش‌های پست‌مدرن بوده که ضمن تشریح ماهیت باور پایه و هویت‌محور ایشان، استعداد استمرار حضورشان در عرصه بین‌الملل به‌مثابه عامل نظم‌گریز آشوب‌آفرین را ممکن می‌داند.

نوشتار پیش‌رو به ارائه خوانشی از نقش گروه‌های جهادی می‌پردازد و آن را از زاویه

رویکردهای پست‌مدرن مورد بررسی قرار می‌دهد. پیش‌بینی چگونگی حضور سازمان‌یافته گروه‌های جهادی در عرصه سیاست منطقه‌ای، کار آسانی نیست، اما می‌توان از حضور هویتی و ایدئولوژیک ایشان در قالب گروه‌های پراکنده نظم‌ستیز، به‌مثابه جریانی حاشیه‌ای که مجال ایفای نقش یافته‌اند، خبر داد. این گروه‌ها علی‌رغم اینکه در قالب نقش‌های کلاسیک شناخته شده در فضای سیاست جهانی نمی‌گنجد، امکان و توان ایفای نقش را کسب نموده‌اند. عموماً امکان مطالعه مفاهیم و نیز نقش‌های جدید در علوم انسانی را در دل نظریه‌های پست‌مدرن می‌توان یافت. چرا که این نظریه‌ها ضمن ویژگی انتقادی، توان ارائه تحلیلی را به دست می‌دهند که عوامل نادیده و نااندیشیده را لحاظ می‌کند. خصلتی از این دست منجر به فراتر رفتن از ظرفیت‌های نظریه‌های پیشین می‌گردد. مطالعه نقش‌آفرینی مفاهیم جدید در روابط بین‌الملل از دریچه نظریه‌های پست‌مدرن مقدور است، زیرا در رویکردهای متأخر، شاهد اعتباریابی مفاهیم نوین در مطالعات روابط بین‌الملل هستیم. مفاهیمی مانند هویت و بیناذهنیت و گروه‌های پراکنده غیرمنسجم فارغ از وابستگی به دولت و یا نهادهای رسمی بین‌المللی در این جرگه قرار می‌گیرند. واکاوی نقش مفاهیمی از این دست در صحنه بین‌الملل، ما را بر آن می‌دارد تا از روش‌های پست‌مدرن بهره‌گیریم و ضمن توسل به دیدگاه‌هایی این‌چنین نحوه حضور گروه‌های جهادی را در سیاست بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۲. پست‌مدرنیسم و مطالعات روابط بین‌الملل

نظریه‌های پست‌مدرن روابط بین‌الملل، همچون دیگر دسته از مطالعات پست‌مدرن، گسترده و در عین حال پراکنده و غیرمنسجم هستند. مطالعات روابط بین‌الملل پست‌مدرن، مطالعات سنتی این دیسیپلین را به علت ادعاهای بی‌طرفی^۱ و عینی بودن^۲ نقد و رد می‌نماید (Dornelles, 2010: P.3). تفکر پسامدرن در عرصه بین‌الملل با دغدغه تاثیر جدی در مطالعات روابط بین‌الملل آغاز شد. قابل توجه‌ترین حملات پسامدرنیسم به روایت‌های عقل‌مداری در روابط بین‌الملل و دوگانه حاکمیت -

1. Neutrality.

2. Objectivity.

آنارشی، متمرکز است. براساس رویه سنتی بیرون از قلمرو مطلق دولت یک حس آنارشیک، ناامنی و بی‌دولتی قرار دارد. دنیایی که در آن هیچ حاکمیت مشروع قانونی برتری در مقیاس جهانی وجود ندارد. از جمله دیگر مباحث مطرح در این زمینه باید به این موارد اشاره نمود:

- ایده‌های تفاوت بین ملت‌های مدرن و فضای منفی بیرون^۱ و قایل شدن به کیفیتی انسانی و نوعی سازگاری عقلانی برای دولت؛

- به باور پست مدرن‌ها هیچ تمایز واضحی بین آنارشی درون^۲ و آنارشی بیرون وجود ندارد؛

- حضور وفاداران پراکنده به ایدئولوژی جهادی در درون مرزهای دولت‌ها - حضور چالش‌برانگیز ایشان در درون و بیرون مرزها - این ایده را تایید می‌نماید.

گروه‌های جهادی متاخر با نقشی فراتر از مرزهای رسمی، در یک سطح شیوه حضور خود را از داخل جامعه اسلامی به عرصه بین‌الملل و در سطحی دیگر از بیرون کشورها به درون جوامع غربی می‌کشاند و در واقع یکی از نخستین اصطلاحات پذیرفته شده در مطالعات روابط بین‌الملل را به چالش می‌کشند. این گروه‌ها توانایی این را یافته‌اند که ناامنی خارج از قلمرو جغرافیایی را به درون مرزها بکشانند و داخل امن را با چالش تهاجم‌های بیرونی مواجه سازند. بازیگرانی که نه تنها کنش آن در تقابل با دیگری مدرن است (Bauschke, 2011: P.4)، بلکه منطق وجودی آنها نیز خود عاملی برای به چالش کشیدن «گفتمان» مستقر می‌باشد. بنابراین، در این پژوهش تلاش شد ضمن آویختن به روش‌های پست مدرن، به تشریح دقیق‌تر جهادیان متأخر در عرصه بین‌الملل دست یازد. در حقیقت بهره‌گیری از توضیحات برآمده از پست مدرنیسم در این نوشتار از دو زاویه درخور توجه می‌باشد:

- این روش‌ها در مطالعات روابط بین‌الملل به چه شکل امکان کارآمدی و کاربست می‌یابند؛
 - تشریح کنش جهادی و امکان استمرار آن در عرصه بین‌الملل.
- غایت حضور جهادگرایان نه تنها به چالش کشیدن مناسبات و روابط عرصه بین‌الملل، بلکه

1. Outside.

2. Inside.

بازگون نمودن منطقی شکل‌گیری و مراتب سروری جاری در آن است که بی‌گمان توضیح برهم زدن نظم نوین را به شیوه‌ای موثرتر می‌توان ذیل بهره‌گیری از روش‌های پسامدرن مورد تأمل قرار داد. تلاش این نوشتار تشریح ماهیت متفاوت جهادگرایان متأخر، ضمن بهره‌گیری از روش‌های پست مدرن می‌باشد. در این میان، گفتمان در شکل‌های متنوعی طرح گردیده است. این پژوهش گفتمان فوکویی را در شمای کلی آن مد نظر قرار می‌دهد. در واقع وجه نوآورانه این پژوهش تشریح ماهیت جنبش‌های اسلامی از جریان ایمان‌مدار به جریان مبتنی بر هویت/ باور نزد جهادگرایان جدید است که ضمن بهره‌گیری از روش‌های پست مدرن، مورد مطالعه قرار گرفته و ضمن توجه به مولفه هویت به‌مثابه مولفه بازیگرآفرین در عرصه بین‌الملل، به قدرت و دانش متمایز و موجه جهادگرایان معاصر توجه شده است.

۳. روش‌شناسی گفتمان

روش پژوهش حاضر، گفتمان فوکویی است که ذیل آن تلاش شده است تا وجه تقابل‌جویانه گفتمان رقیب را مور تأمل قرار دهد. در واقع روش‌شناسی گفتمان فوکویی، به شیوه‌ای کل‌گرایانه طرح گردیده و تلاش شده تا این مهم با توجه به اظهارات گفتمانی مد نظر فوکو مورد بررسی قرار گیرد. به باور فوکو، گفتمان مجموعه‌ای از اظهارات هم‌بسته هویتی ویژه را ایجاد می‌کند که به روابط و نیروها در دل گفتمان، گروهی از معانی منحصربه‌فرد و ناشی از همان گفتمان را می‌بخشند. فرایند هویت‌بخشی در خلاء اتفاق نمی‌افتد و ناشی از رقابت است. در واقع ساخت‌های قدرت و دانش سازنده هر گفتمان طی طرد و نفی ساخت‌های قدرت و دانش مطرح در گفتمان‌های رقیب، شکل می‌گیرند. این رقابت بر سر مسئله‌ای ویژه است: تلاش پیوسته گفتمان‌های حاشیه‌ای، برای کاهش اقتدار گفتمان‌های حاکم و هژمون، با هدف جایگزین شدن با آن. انقادی که پژوهش حاضر آن را در روند استمرار جریان جهادی معاصر مورد توجه قرار داده و حضور مداوم گفتمان مسلط را عامل امتداد این گفتمان هویتی - اعتقادی دانسته است.

فوکو در تأملات خود، گفتمان را چارچوب نظم‌دهنده و معنابخش به مناسبات و مکانیزم اعتباربخشی به روابط می‌داند. بر این اساس، وی مشخص می‌سازد که گفتمان‌ها، برخلاف ادعایی که خود آنها مطرح می‌کنند، بازتاب‌دهنده حقیقت نیستند، بلکه بیان‌گر تلاشی پیوسته برای توجیه

روابط قدرت موجود به مثابه امری مطلوب می‌باشند و به یک معنا همیشه حاوی سطوحی از جهت‌گیری و جانب‌داری سیاسی هستند. کوشش پژوهش حاضر تشریح این تلاش از سوی گروه‌های جهادی معاصر است که ضمن اتصال به جهان سنت و اخذ معنا از آن، درصدد تقابل با دنیای مدرن و عرضه داشته‌های خود در دل جهان مدرن و نیز در ضدیت با آن می‌کوشند.

پساساختارگرایی و پست مدرنیسم در ده‌های اخیر با اقبال‌هایی در روابط بین‌الملل مواجه شده‌اند. این روند عموماً با افزایش توجه نسبت به روش گفتمان به مثابه روشی نظام‌مند در مطالعات پسامدرن همراه بوده است (میلیکن، ۱۳۸۵: ص ۱). گفتمان که عموماً پیوند شناخت-قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد، بر مطالعات متنی و بینادذهنیت متمرکز است. به باور پژوهش حاضر، مطالعه جهادگرایی جدید در قامت گفتمانی رقیب و نظم‌گریز، برای نظم مستقر در منطقه بسی ارزشمند و سودمند می‌باشد. نظریه گفتمان، ارائه‌دهنده راهکار روش‌شناختی ارزشمندی است که امکان تئوریک مطالعه‌ای از این نوع را پیش‌رو می‌گستراند و زمینه انجام آن را فراهم می‌آورد. در پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از این روش‌شناسی تلاش شده است تا نسبت هویت و ایدئولوژی این گروه‌ها و نحوه حضور و ایفای نقش آنها در عرصه سیاست بین‌الملل آشکار شود. روش گفتمان برای مطالعه برآمدن و پرورش هویت کارآمد است (Benwell & Stokoe, 2006: P.17). چه آنکه هویت در کنش، خود را نشان می‌دهد، بنابراین، راه فهم هویت، مطالعه کنش و راه فهم کنش، مطالعه هویت است. نظریه گفتمان، ابزار تحلیلی انجام این مهم می‌باشد (دیالکتیک هویت و کنش).

هویت در برابر «دیگری» مورد شناسایی قرار می‌گیرد. دوگانه‌هایی همچون خود و «دیگری» در گفتمان خودنمایی می‌کنند و متضمن نوعی برتری‌انگاری و دربردارنده درجه‌ای از قدرت هستند. گفتمان را عموماً باید چارچوبی دانست که امور و چیزها در درون آن واجد معنا می‌شوند و این معناها با درجاتی از قدرت حمایت می‌گردد. در واقع گفتمان‌ها در راستای تولید، تعریف و برون‌گذاری فعالیت می‌کنند. در روابط بین‌الملل نیز گفتمان‌ها سوژه‌های خود را تولید کرده و به تعیین هویت خود و مرزگذاری با دیگر گفتمان‌ها مبادرت می‌ورزند. توضیح موثر در خصوص ارتباط گفتمانی آنکه، علاوه بر خود-تعریفی گفتمان، این گفتمان‌های دیگر هستند که مرزهای بیرونی یک گفتمان را تعیین می‌کنند و در عین حال به گفتمان، ویژگی رقابتی و حاشیه‌ای بودن می‌بخشند.

۴. گروه‌های جهادی به‌مثابه گفتمانی هویت پایه

طی ده‌های اخیر، شاهد حضور عینی، فیزیکی و عملی جهادگرایان جدید در عرصه سیاست جهانی و کوشش جهت ایفای نقش و تاثیرگذاری بین‌المللی بوده‌ایم. گروه‌هایی که باید آنها را نماینده عملی تلاش‌های متفاوت جنبش‌های اسلام سیاسی سنی در جهان پس از خلافت دانست. آموزه‌های اسلام سیاسی در دوره‌های پیشین حیات خود، محدود به جوامع مسلمان و تجویز ایده‌آل برای اعضای این جوامع بود و در عین حال عمدتاً واجد ویژگی نظری، علمی و فکری بود. در حالی که گروه‌های جهادی از دو ویژگی اسلام سیاسی خلافت‌محور عبور کرده و به شکل توأمان از محدوده مرزهای جوامع اسلامی فراتر رفته و به نقش‌آفرینی بین‌المللی علاقمند شده‌اند. گروه‌های جهادی به‌مثابه پدیداری سیاسی، زاییده وضعیت بی‌سروری سیاسی هستند که امتداد وضعیت پساخلافت اهل سنت است. در حقیقت بی‌سروری اهل سنت، منتهی به پیدایش جنبش‌هایی شده که در هیأت نمایندگانی خودخوانده، درصدد دستیابی به خلافت و احیای حاکمیت مشروع برآمده‌اند. در حقیقت تلاش عملی ایشان معطوف به احیای تجربه از دست رفته‌ای است که در لوای آن امکان حضور سیاسی و بین‌المللی فراهم بود و امروزه در وضعیت فقدان خلافت، دستیابی به این امکان‌ها از دریچه برپایی دوباره خلافتی متصور است که دربردارنده ایده‌آل‌های جنبش‌های سلفی - جهادی متأخر می‌باشد. نحوه حضور ایشان در آینده نیز ذیل تلاش برای احیای خلافت قابل فهم است. تلاشی که در عین حال می‌کوشد احکام تجویزی خود را عملی سازد و این عملیاتی نمودن از جانب فرد - عامل‌هایی محقق می‌گردد که هر یک تلاشگری برای احیای ایده‌آل از دست رفته‌اند. کنش‌های ایشان شامل رفتارهای جهادی - انتحاری و تشکیل هسته‌های عملیاتی و نیز اقدام منفرد است که ذیل میثاق‌های اعتقادی - هویتی در سراسر جهان مقدور می‌گردد.

ماهیت جهادپرستان‌های معاصر به‌مثابه پدیده‌ای باورپایه و هویت‌محور به ایشان امکان استمرار حضور در جهان آینده را می‌بخشد و این استعداد برآمده از ارجاعاتی تاریخی است که به‌مثابه ایده‌آل طلایی در افق ذهنی و نهایتاً چشم‌انداز عملی ایشان نمایان می‌گردد. ایده‌آل‌های تاریخی برآمده از برداشت‌های مبتنی بر احتیاج معاصر، به گروه‌های جهادی حس وظیفه اقدام عاجل را می‌دهد که ذیل آن تکلیف دست زدن به عمل جهادی به‌مثابه تکلیفی بی‌زمان و همواره دیده

می‌شود. ایشان از سبک تقابل فکری و نظری به سوی مواجهه عملی تغییر موضع داده‌اند. رفتار و کنش هدفمند این گروه‌ها، عطف به رفتار و عمل بیرونی دارد. الگوی فکری و اعتقادی این گفتمان بر نفی رادیکال و سیستماتیک ارزش‌ها و منطق تعامل و قدرت در نظم بین‌الملل ابتناء یافته و منتهی به شکل‌گیری «هویت» ارزش‌مدار ایشان به‌مثابه رادیکال‌ترین المنت مخالفت با نظم بین‌الملل (نظام ارزش‌ها، ساختار حاکم، فرایندهای عمل و تعامل و...) گردیده است. گروه‌های جهادی را باید کنش‌گرانی هویت پایه دانست. کنش‌گرانی از این نوع را عموماً ذیل التفات به روش‌ها و رویکردهای پست مدرن مورد بحث قرار می‌دهند. این گفتمان را می‌توان به‌مثابه پدیده‌ای مورد شناسایی قرار داد که پای در بستر سنت دارد و با دغدغه احیای آن به نبرد با مدرنیسم تثبیت شده دست یازیده است. تلاش در راستای نفی حضور دال‌ها و ایمان‌های گفتمان مدرن، از آن هستنده‌ای در قالب مقاومت ساخته است که می‌کوشد داشته‌های درونی راستین خود را از دل تاریخ گذشته به زمان اکنون عرضه نماید.

به باور گروه‌های جهادی، «هویت» در معنای کلی آن می‌تواند یادآور دوره طلایی خاطره جمعی مسلمانان باشد. دوره‌ای که آن را به سلف صالح ارجاع می‌دهند (Aaron, 2008: P.50). آنها برقراری مجدد آن را منوط به برپایی دوباره خلافت به‌مثابه آلترناتیوی قدرتمند و توانا می‌دانند. چرا که خاطره جمعی ایشان از خلافت، بازتاب‌دهنده قدرت هژمون به‌مثابه ایده‌آلی نوستالژیک و در عین حال پدیده‌ای است که موجد هویتی واحد بود (Springer, 2009: P.74-78).

هویت در روابط بین‌الملل عموماً ذیل نگرش‌های بینادذهنی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، اتفاقی از این نوع منتهی به شناسایی مفاهیم و مباحثی جدید در روابط بین‌الملل گردیده است. در این میان گروه‌های افراطی و جهادی نمونه‌های برجسته‌ای از بازیگران غیردولتی و یا نمایندگان خرده هویت‌های تبعید شده هستند. این گفتمان نیز همچون دیگر گفتمان‌ها آلترناتیوها و ایده‌آل‌های خود را در برابر گفتمان غالب عرضه می‌دارد و درصدد جایگزین نمودن ایده‌آل‌های خود به جای ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و ساختارهای برآمده از دیگری مسلط است.

گفتمان، آلترناتیوهای خود را با توجه به تقسیم جهان براساس عقاید خود پیشنهاد می‌نماید. جهادگرایان متأخر را باید متولی مفاهیمی دانست که در تاریخشان از معنای پیشین خود تهی گشته و ایشان به عنوان متولیان اعتقادی و هویتی، مجال آن را یافته‌اند تا معانی نوین خودساخته را بر

مفاهیم کهن بارسازند و این مهم که از جمله مهم‌ترین کارویژه‌های هر گفتمان بوده، به پیدایش گفتمان جهادی متأخر و سرانجام حضوری دگرگون در عرصه جهانی انجامیده است. در واقع ما شاهد تغییر معنا در مفاهیم گفتمان اسلام سیاسی خلافت‌گرا هستیم که از سوی جهادگرایان متأخر ارائه گردیده است. برای نمونه، این گفتمان، معانی نوینی از خلافت، جهاد و دیگر مفاهیم مرتبط را بر ساخته است. کوشش ایشان احیاء و عملیاتی‌سازی این دسته از مفاهیم و عرضه آنها بر جهان معاصر بوده که ذیل نگرش رسالت‌مندی خویش، وظیفه انتقال این ایده‌آل‌ها به جهان آینده را نیز برای خود قایل هستند.

بزرگ‌ترین آلترناتیو جهان مدرن، خرد تولید شده در تاریخ جهان اسلام است و این آلترناتیو را باید در تجربه تاریخی جهان اسلام سراغ گرفت. سلفیسم جهادی را می‌توان کوششی برای احیای حضور به محاق رفته‌ای دانست که در پی پیدایش «دیگری» مسلط، فراموش شده و به غیبت رفته است. حضور در سیاست جهانی نزد سلفیسم جهادی هم‌وردی در برابر دیگری مسلطی است که حضور و سلطه آن به شکل تاریخی منتهی به حذف خود گردیده است. از این رو تحقق خواست خود را از طریق حذف گفتمان رقیب جستجو کرده و این حذف را ذیل پابندی به ارزش‌های اعتقادی و هویتی خود دنبال می‌کند.

گفتمان مقاومت در این فضا، عموماً، به مبارزه ستیزه‌جویانه متمسک می‌شود و می‌کوشد سلطه گفتمان غالب را به چالش بکشد و دم از برانداختن آن می‌زند. حتی اگر امکان واژگونی گفتمان وجود نداشته باشد، خرده گفتمان مقاومت از اذعان به آن اجتناب می‌ورزد و هدف نهایی خود را سرنگونی گفتمان غالب اعلام می‌دارد. نکته قابل توجه این است که حضور خرده گفتمان، چهره پراکنده قدرت را به نمایش می‌گذارد. چهره‌ای که در مقابل گفتمان مسلط دست به عرضه قدرت مقاومت می‌یازد و ای بسا از قبل طرح مدعیاتی از این نوع، حائز قدرتی با وجه کمابیش تاثیرگذارانه می‌گردد. قدرتی که در دوره هویت‌یابی و تثبیت گفتمان حاشیه‌ای، امکان عرض‌اندام می‌یابد. ردپای قدرت گفتمانی‌ای از این نوع را مشخصاً در گروه موسوم به دولت اسلامی یا داعش، می‌توان مشاهده کرد. در این راستا، مقاومت در جریان‌های سلفی - جهادی را می‌توان به‌مثابه حرکت‌هایی واکنشی نسبت به مدرنیسم مورد شناسایی قرار داد. حرکت‌هایی که واجد گونه‌ای نیروی مرکزگریز قدرتمند و چالش‌گر هستند (Cormack, 2002: P.110).

طی دهه اخیر، مفهوم «جهاد»، به‌مثابه کنشی جدید از سوی گروه‌های تروریستی و اخیراً توسط دولت-واره داعش در عرصه روابط بین‌الملل نقش‌آفرین واقع شده و حایز سطوحی از اهمیت گردیده است. کارگزاران کنش جهادی، اعم از سازمان تروریستی یا فرد تروریست، در مواجهه با نظم بین‌الملل موجود و با هدف اعتباربخشی به گفتمان مطرود و حاشیه‌ای خود، به جهاد روی آورده و جهاد حاصل، تلاشی برای جایگزین‌سازی یک گفتمان حاشیه‌ای با گفتمان نظم موجود در عرصه بین‌الملل به‌شمار می‌آید. ضدیت با مدرنیسم از جمله شاخصه‌های اصلی و هویت‌آفرین، برای بنیادگرایی جهادگرا است و از این‌رو گفتمان جهادگرایی را می‌توان هجمه «خواست سنت» به «خواست مدرن» دانست.

۵. جهادگرایان و جهان آینده

جهادگرایی به‌مثابه گفتمانی حاشیه‌ای در جهان اسلام و اخیراً در عرصه بین‌الملل، مجالی برای بروز و ظهور یافته است. زمینه‌های بروز و ظهور این گفتمان را می‌توان از زاویه‌های مختلفی مورد مطالعه قرار داد. اما آنچه بیش از هر زمینه دیگری بیشتر خودنمایی می‌کند، نظم و ساختار بین‌الملل، به‌مثابه بستر فعلیت این گفتمان است. در مجالی که شاهد برآمدن و فروریختن نماینده رسمی این گفتمان در عرصه جهانی بوده‌ایم، با پرسش از چگونگی حضور ایشان در آینده مواجه هستیم.

گفتمان جدید برای خلق معنا در مواجهه با گفتمان مسلط و پاسخ‌گویی به خلاءهای معنایی می‌کوشد هویت، رسالت و خواست خود را از طریق فرایند تولید معنا برای دولت، نظم بین‌الملل، انسان و جهان ایده‌آل عملی نماید. سلفیسم جهادی کوششی از این نوع را از طریق بازخوانی متن مقدس و کوشش جهت بازگشت به سنت سلف صالح دنبال می‌کند. بازگشتی که در تلاش است، گذشته منطبق بر اسلام راستین را در جهان کنونی محقق نماید (Devji, 2005: P.64). بازگشت به خود راستین در برابر گفتمان‌های متعدد رخ می‌نماید و کوشش برای جهانی نمودن خود و ارزش‌های خود در فرایند مواجهه با گفتمان مسلط در قالب کنش جهادی نمایان می‌گردد. اقدام به عمل جهادی، به‌مثابه حس تعلق جمعی که نشان‌دهنده وفاداری عامل جهادی به گفتمان جهادی به‌مثابه گفتمان رهایی‌بخش، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. گفتمانی که در صدد ایجاد تغییر و برساختن

نظم مطلوب از طریق ضدیت و رویارویی با غرب برآمده و این هدف از طریق انجام عملیات انتحاری به مثابه سازوکار تغییر از یک سو و صدای خواهان تغییر و نمایندگی گفتمان غایب مشروع از سوی دیگر، قابل تحقق است.

جهاد را باید به مثابه وجه عمل‌گرایانه سلفیسم بین‌الملل‌گرا مورد توجه قرار داد. این وجه عمل‌گرایانه که در آثار و متون سده‌های پیشین به غایت مورد توجه واقع شده است، امروزه به مثابه ابزاری عاجل جهت عملی نمودن ارزش‌های گروه‌های جهادی در برابر ظواهر مدرنیسم - در سطح نظم بین‌الملل - به کار می‌رود. جهاد در آثار پیش‌قراولان اندیشه سلفی، واجد اهمیت بسیار است. توجه فراتر از معمول به جهاد را باید در فتاوی ابن حنبل سراغ گرفت که در مقایسه با دیگر دیدگاه‌های فقه اسلامی، برای آن اهمیتی متمایز و برجسته قایل شده است. اهمیتی که در آراء بازاندیش‌گرایان مصری جهت احیای میراث اسلامی در جهان معاصر امتداد یافت. سرچشمه این نوع از جهادگرایی سلفی را نخست باید در اندیشه‌های سید قطب جست‌وجو نمود که جهاد برای برپایی دین - چه با کفار و چه با حاکمان دست‌نشانده کشورهای اسلامی - را در شرایط فرودست‌انگاری و افول رو به تزاید جامعه اسلامی، وظیفه هر مسلمانی می‌دانست. دیدگاه سید قطب توسط اخلاف وی دنبال شد و به تئوریک شدن رویکرد جهادی در اسلام سیاسی سنی انجامید.

گفتمان سلفیسم جهادی پیوندی سترگ میان هویت، قدرت، خشونت و جهاد برقرار نموده و می‌کوشد حضور خود را به شکل گسترده و پراکنده با نشانه‌هایی از این عوامل چهارگانه همراه نماید. در واقع این گفتمان، چه در چارچوب گروهی دولت و چه در چهره گروه‌های پراکنده تروریستی و یا عوامل منفرد، حمله‌های انتحاری در حال ایفای نقشی هویتی از زاویه یک کنش‌گر در جهان قدرت بین‌الملل، براساس مبانی فکری جهادگرایانه و کنش مبتنی بر تقابل خشونت‌بار است. خشونت منتشر در آموزه‌های نظری و عملی گفتمان سلفیسم جهادی بین‌الملل‌گرا، خود را در جهاد تقابل‌گرایانه با دیگری‌های غیرمسلمان (کفار) و مسلمان (مشرکان) نمایان می‌سازد. خشونت‌ی که در مرحله عمل در چهره جنگ‌های منظم و تقابل نظامی، نبردهای نامنظم شهری، حمله‌های تروریستی پراکنده و حمله‌های انتحاری خودنمایی می‌کند. اگر در یک تعبیر موسع عرصه بین‌الملل را به مثابه یک جامعه جهانی متصور شویم، تقابل درون این جامعه از شکاف‌های

هویتی به عنوان اصلی‌ترین گسست تهدیدکننده کلیت و نظم سازمان‌یافته آن برمی‌خیزد. در این فضا، مطالعه گروه‌های جهادی جدای از هویت و منابع هویت‌بخش آنها، ممکن نیست. منابعی که، در خوانش سلفیسم جهادی، راه به سوی جهان‌گرایی، عدم پذیرش استیلای دیگری تکفیر شده و نهایتاً عمل جهادی فرمان می‌دهد.

نکته اصلی در شناسایی کنش گروه‌های جهادی در عرصه بین‌الملل، فهم خوانش ایشان از این منابع است. نزد ایشان منابع نخستین بدون افزوده‌های پسینی و در انجمادی تاریخی و خوانشی تک‌لایه‌ای و واژه‌محور، به دور از توجه به بسترهای تاریخی، هویتی و فرهنگی، مورد رجوع واقع می‌گردند که منجر به شکل‌گیری، فهمی منجمد و قالب‌بندی شده بر مبنای ذات‌مندی کنش جهادی گردیده است. کنشی که در عرصه بین‌الملل در چهره تروریسم اسلامی رخ نموده و عامل برهم‌زننده نظم مستقر شناخته شده است.

این گفتمان ضمن آویختن به آموزه‌های بی‌زمان و بی‌مکان برآمده از ارزش‌ها، امکانی جاودانی برای خود قایل است. جهادگرایی متأخر حاوی تلاشی نهایی برای تمایز خود از دیگر جریان‌های اسلام‌گرایی است (Wagemakers, 2012: P.79). این جریان وجوه تمایز خود را از طرق گوناگون دنبال نموده که در مرحله رشد این گفتمان، به شکل‌گیری نظام دانشی، اقتدار ویژه و نیز برقراری تشکیلاتی ویژه انجامیده و مکانیسم پویایی ویژه این گفتمان در تطبیق خود با شرایط جهان بین‌الملل، آن را برای ماندگاری هرچه بیشتر مستعد ساخته است. از این‌رو جهادگرایان را باید نیروهای حاضر و مانایی در عرصه بین‌الملل دانست که علی‌رغم حذف فیزیکی تشکیلات متمرکز آنها، به سبکی جالب توجه و در شکل‌واره‌ای پراکنده اما مرتبط، به حیات خود ادامه می‌دهند. پراکندگی این گروه‌ها ذیل نگرش پسامدرنیستی که سازمان‌ها و گروه‌ها را فارغ از نظم سلسله‌مراتبی مدرن مورد توجه قرار می‌دهد، قابل تشریح است، نظمی شاخه‌ای و مویرگی. نظمی از این نوع در ارتباط با بازیگران اجتماعی نوظهور مطرح می‌شود. بازیگرانی مانند گروه‌های افراطی که ذیل ایدئولوژی خلافت‌محور و ماهیتی هویت‌پایه، وجهی جهانی یافته و نقشی تقابل‌مدار را برعهده گرفته‌اند. آنها در قالب‌های معمول و مرسوم نُرْم‌ها، نهادها و هنجارهای شناخته شده قرار نمی‌گیرند و گونه‌ای متفاوت از شکل‌واره و پیکره گفتمانی را عرضه می‌دارند که در عین پراکندگی، در میثاقی یگانه ذیل ارزش‌هایی متفاوتی در اتحادی معنوی به سر می‌برند. نوعی

میثاق و وفاداری اعتقادی که خود را در قالب بیعت بازتعریف می‌نماید (Lohlker, 2011: P.159). اتحادی که در بیرون از قالب‌هایی همچون اجتماع، جامعه و دولت، بلکه در هیأت جماعتی باورمند و پراکنده در سراسر جهان نفس می‌کشد و قابلیت عملی نمودن ایده‌های مرکزی ارزش‌محور خود را دارد. ایده‌هایی که عامل پیوندهای نادیدنی، اما مستحکم جهادگرایی نوین است و به گروه یا عامل وفادار هویت، شأن، حس تکلیف و رسالت می‌بخشد. جهادگرایی متأخر عاملی موثر بر نظم جهانی، پدیده‌ای پایان نیافته، زنده، پویا و بازتولید شونده است. این امکان ماندگاری و پایداری، از آبشخورهای مختلف گفتمان سیراب می‌شود و تا حذف گفتمان مسلط «مهاجم» برای خود قایل به وظیفه و انجام تکلیف است. تکلیفی که از طریق عمل جهادی و رفتار ترویستی منسجم یا پراکنده از سوی نیروهای رسمی و یا عوامل پراکنده و منتشر دارای فاقد ارتباط موثر و تکرارشونده و نیز در دایره عمل متفاوت درون جوامع اسلامی، داخل کشورهای غربی و یا به‌مثابه بازیگری در عرصه بین‌الملل، خودنمایی می‌کند.

حضور پراکنده داعش را باید مکانیزمی جهت حضور منفردی دانست که به‌مثابه فرایندی اعتقادی، به آن امکان یارگیری آنی و همه‌جایی و عمل مستقل را می‌بخشد. علاقه به حضور در سرزمینی معین را نیز باید در تجربه خلافت رقه رصد نمود که با توجه به جبر شرایط، منتهی به کوچک شدن و امحای دولت اسلامی داعش گردید. در واقع فقدان مرکزیت سیاسی، وضعیت مطلوب این جریان نیست، بلکه این جریان از استعداد بقاء در شرایط عدم مرکزیت برخوردار است. دولت بی‌قلمرو زاییده جبر شرایطی است که بر جهادپرستان‌های خلافت‌گرا تحمیل شده است. تولید و تکثیر خلافت‌های فردی، متحرک استعداد ناشی از ویژگی اعتقادی-ایمانی بودن این جریان است که به آن امکان جذب وفاداران پراکنده اتمیک را بخشیده که به این جریان امکان استمرار و حضور در شکل‌های متنوع را می‌بخشد. سیستم سلولی اعضای باورمند به این جنبش از زاویه اعتقاد، قابل توضیح است که ضمن برخورداری از مشروعیت فهم امر دینی و عمل به تکلیف، ذیل دریافت شخصی و سرانجام عملی نمودن رسالت خودانگیخته ابتناء یافته، بر باور و پیمان با جهادپرستان‌های متأخر عمل می‌کند. حضور آینده جهاد جدید را باید در تقابل محوری آن با آموزه‌های مدرنیسم، ذیل تفسیری ویژه از متن مقدس و رجوع به تجربه تاریخی مسلمانان متوقع بود.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر گروه‌های جهادی و نمونه برجسته آنها یعنی داعش را به‌مثابه گفتمانی هویت‌پایه از زاویه نگرش پسامدرن در عرصه سیاست بین‌الملل مورد مطالعه قرار داد. این مهم ذیل فراز اصلی پست مدرنیسم و مطالعات روابط بین‌الملل به‌مثابه امکانی برای توضیح چندوچون حضور و ایفای نقش هستنده‌های جدید در روابط بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و ایده‌ها و اندیشه‌های اندیشمندان مطرح پسامدرن و امکان به‌کار گرفتن این ایده‌ها در مطالعات روابط بین‌الملل مورد بحث قرار گرفت.

روش‌شناسی گفتمان از دیگر مباحث مطرح در این پژوهش بود که جهادگرایی متأخر را به‌مثابه گفتمانی نوین در عرصه جهانی مورد تفسیر قرار می‌دهد. همچنین ذیل موضوع گروه‌های جهادی به‌مثابه مبارزانی هویت‌پایه، کاربرد مطالعات پسامدرن و نقش‌آفرینی گروه‌های جهادی در فراسوی مرزها بررسی شد. بر این اساس امکان حضور گروه‌های افراطی در جهان آینده به‌مثابه کنش‌گرانی هویت‌پایه و پراکنده پیش‌بینی می‌شود.

منابع

۱. میلیکن، جنیفر (۱۳۸۵). مطالعه گفتمان در روابط بین‌الملل: نقد پژوهش و روش. ترجمه حمیرا مشیرزاده. پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره ۲۱.
2. Aaron, D. (2008). **In Their Own Words: Voices of Jihad-Compilation and Commentary**. Rand Corporation.
3. Bauschke, M. (2011). **Im Namen Gottes? Religion und Politik in der islamischen Welt**. GRIN Verlag.
4. Benwell, B. & Stokoe, E. (2006). **Discourse and Identity**. Edinburgh University Press.
5. Cormack, M. (2002). **Sacrificing the Self: Perspectives in Martyrdom and Religion**. Oxford University Press.
6. Devji, F. (2005). **Landscapes of the Jihad: Militancy, Morality, Modernity**. C. Hurst & Co. Publishers.
7. Dornelles, F.K. (2010). **Postmodernism and IR: From Disparate Critiques to a Coherent Theory of Global Politics**. Global Politics Network.
8. Lohlker, R. (2011). **New Approaches to the Analysis of Jihadism: Online and Offline**. V.& R. unipress Gmb H.
9. Springer, D.R. (2009). **Islamic Radicalism and Global Jihad**. Georgetown University Press.
10. Wagemakers, J. (2012). **A Quietist Jihadi: The Ideology and Influence of Abu Muhammad al-Maqdisi**. Cambridge University Press.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.89979.1244

محمدی‌کیا، طیبه (۱۳۹۹). حضور گروه‌های جهادی در جهان آینده جدید. سیاست متعالیه،

۸ (۳۱): ص ۳۲۵-۳۴۰.